



یادداشتی از مجتبی لشکر بلوکی

## ماناقص العقلیم! شما چطور؟

۱۸۳ | هفته نامه | ۱۴ اسفندماه ۱۴۰۲ | سال ششم | ۴ صفحه | ۴۰۰۰ تومان

# افق اقتصاد



## برندگان بازی های یک طرفه

صفحه ۱ را بخوانید

### درآمد بیت کوین در ایران چقدر است؟

۲

### بیست سال بحران فراگیر در راه است

۲

### شرکت های چند ملیتی ۲۲۰ میلیارد دلار مالیات می پردازند

۲

### بدون بردگان شکری وجود نداشت

۲

صفریک

## برندگان بازی های یک طرفه

پرمی کند! خودشان را زیاد نشان می دهند و از این ابایی ندارند. پررو بودن را، کم نیابورن را یاد گرفته اند اما نه چندان اصولی و نمی دانند که این کافی نیست! حاضر جوابی را با دردیگی و بی چشم و رویی اشتباه گرفته اند! کافی است بهشان بگویید اگر صادقی بیا و از انتخاباتی با فضای بازتر با رقیبانی جدی تر حمایت کن. احتمالاً از آنجا که به بهره گیری از نیروی پدروخوانده های پشت پرده شان خو گرفته اند جوروی صحبت را می پیچانند و موضوع را عوض می کنند که...

از نظر عده ای به ویژه در شرایط ملتهب کنونی جهان که بیشتر به آرامش قبل از طوفان می ماند؛ احتمالاً به دلایل متعددی آزادی انتخابات و اولویت دادن به آن در این برهه ضرورت چندانی ندارد! نه این که چنین موضوعی مهم نباشد یا همیشه گی بماند. این عده معتقدند با توجه به تجربیات مجالس گذشته و نقش آنها در تصمیم گیری ها با وجود شورا های متعدد و نهاد های موازی مجلس به رغم اهمیتش اما در شرایط فعلی کارایی عجیب و غریبی ندارد. با این دیدگاه موافق باشیم یا نه، بهر حال حتی چنین وضعیتی هم در تصویر کلی از شرایط فنی و کیفی انتخابات رد خود را می گذارد. این تصویر نه امروزی است و نه ما را به فردا امیدوار می کند. ما به یک خانه تکانی اساسی در ساختار، روش، فرم و رویکرد سیاست ورزی و نقش آفرینی نیروهای سیاسی و نقشی نو در نهاد انتخابات احتیاج داریم...

سیستمی هم به شدت رنج می برد. با کسانی طرفیم که در بهترین حالت بیانیه نویسند و توییت زن! کار سیاسی پاره وقت شان زدن توییت هایی است که از کاربران معمولی شبکه های اجتماعی هم برمی آید! به شدت پرمده اما بسیار کم عملند. لاقفل حرکتی که نشان دهد خلاف اینهاست طی این مدت به چشم نیامده. عوض تربیت نیروی انسانی، اصلاح روشهای برقراری ارتباط، نظرسنجی و نظرخواهی از گروه های مختلف فکری و مردمی، مذاکره و تعامل با نیروهای مخالف و خلاصه به جای کارهایی که بسیاری از احزاب استاندارد امروزی انجام می دهند کار سیاسی را با آه و ناله یا فهرست آرزوها اشتباه گرفته اند! و شاید از همه مهمتر پشت اعتراض به فشار و سانسور و شرایط امنیتی همه ی این ناتوانی ها و نابلدی هایشان را پنهان می کنند که باید گفت حتی اگر آنطور که می گویند هم صحت داشته باشد که احتمالاً تا حدودی دارد- باز نافی نداشتن اکت متناسب سیاسی و ساختاری نیست!

این وسط طیف دیگری هم هستند که به لطف بازوهای امنیتی و اقتصادی دوپینگ سیاسی می کنند، سر پایمی ایستند، در رسانه ها بدون مشکل جولان می دهند، تریبون دارند و البته منسجم تر از گروه قبلی رفتار می کنند. اینها همان برندگان بازی های یک طرفه اند که انگار وقتی در رزمایشی پروز شوند فریاد شادی و ادعایشان همه جا را

منتشر شده و آنها طی ۲-۳ هفته فرصت تبلیغ و معرفی برنامه هایشان را دارند. (تازه اگر چیزی به نام برنامه وجود داشته باشد!) در این گیر و دار یک هفته مانده جمعی اعلامیه مشارکت می دهند و عده ای باید روی متنی فکر کنند که نیاز به ابعاد گشایی جدی دارد. برخی هم که مثل توره های لحظه آخری در ساعات پایانی مشغول بستن لیست هستند آن هم با جانناق و خواهرشوه و سایر اقوام و آشنایان! به عبارتی همه چیز در وضعیتی «دقیقه نودی» پیش می رود و همه هم انتظار دارند به بهترین شکل انتخابات برگزار شود!

از منظر حق و حقوق رأی دهنده که بارها گفته شده بگذریم می توان به یک سوال ساده رسید: بردن بازی های یک سو به چه لذتی دارد؟! زمینه سازی و چیدن سیستمی که به برد یک جریان منجر شود واقعاً چقدر لذت دارد؟! شما و همفکرانتان می توانید قلم فرسایی کنید و «همشهری» ها را سیاه کنید تا آسمان به ریسمان بیافند و اثبات کنند که همه چیز می گویند بد نیست و چه و چه! در مثال، وقتی شما جنسی داشته باشی که بتوانی آن را به ۷۰ میلیون نفر بفروشی اما کاری کنی که ۷۰ هزار نفر محصولت را بخرند در عمل چه کسی ضرر کرده؟! آخر منافع مالی و قدرت هم تا یک جایی و اندازه ای کار می کند! غیر از این است؟

باید گفت که سیاست ورزی در ایران علاوه بر بسیاری ضعف ها از ضعف ساختاری،

### سوری رنجبر

پرداختن به ایرادات فنی و محتوایی انتخابات اخیر برگزار شده و رای مباحث سیاسی که در فضای رسانه ای کشور به وفور گفته شده در شرایطی که از دید بسیاری از ناظران و فعالان و عموم مردم این انتخابات واجد استانداردهای حداقلی جهت مشارکت طیف های مختلف سیاسی نبوده چندان آسان نیست. از این جهت که اولویتهای مطرحه می تواند محلی از اعراب نداشته باشد. یعنی شاید سایه ی رد صلاحیت ها یا بازی ندادن های گروه های سیاسی آنقدر سنگین است که مثلاً وقتی از عدم برگزاری انتخابات بصورت الکترونیک گلایه کنی برخی گمان کنند که آدرس غلط می خواهی بدهی یا قصد داری توجهات را از اصل موضوع به سمت دیگری ببری! البته بعد از بیش از ۴ دهه برگزاری انتخابات و خاصه بعد از قریب به ۳۰ سال از طرح این موضوع در ستاد انتخابات کشور، احتمالاً باید به فال نیک گرفت (!) که برگزار کنندگان به رای گیری محدود الکترونیک در چند استان و شهر راضی شده و آن را آزموده اند! نکته این جاست که تصویر صادر شده از این نوع نگاه و روش به انتخابات در قیاس با آنچه در جهان امروز و معدود کشورهای اطراف اتفاق می افتد حس کهنگی و عقب ماندگی می دهد!

روند برگزاری انتخابات هم عجیب است. از منظر زمانی و تبلیغات تازه در سه چهار هفته ی آخر لیست کسانی که مجازیم (!) به آن رأی دهیم





ماتیاس هورکس، آینده‌پژوه برجسته آلمانی:

# بیست سال بحران فراگیر در راه است

ماتیاس هورکس، آینده‌پژوه سرشناس آلمانی، در جدیدترین اظهار نظر خود، «بحران‌های دردم‌تنیده کنونی» در جهان را مرحله‌ای گذرا از بلاتکلیفی بشر توصیف کرد که به باور او ممکن است «۱۰ یا حتی ۲۰ سال طول بکشد».

ماتیاس هورکس، آینده‌پژوه سرشناس آلمانی یکی از محققان برجسته آینده‌پژوهی در جامعه آلمان و محافل اجتماعی و اقتصادی اروپا محسوب می‌شود. بسیاری از تحلیل‌های او درباره وقایع و تحولات آینده جهان به واقعیت پیوسته است.

هورکس در انستیتو تحقیقات آینده پس از همه‌گیری جهانی کرونا با انتشار کتابی به نام «دنیای پس از کرونا» دیدگاه‌های درخور توجهی در خصوص تحولات آینده جامعه بشری مطرح کرده بود.

او در زمان شیوع کرونا، شرایط پاندمی را «بحرانی عمیق» توصیف کرده بود که بشر در بزنگاه آن گرفتار شده است و گفته بود: «این روزها اغلب از من می‌پرسند که دوره کرونا چه زمانی به پایان می‌رسد و چه زمانی ما به شرایط عادی باز خواهیم گشت؟ من می‌گویم هرگز».

بعضی از مقاطع در تاریخ وجود دارند که مسیر آینده را عوض می‌کنند.

او اینک و در تازه‌ترین اظهارات خود گفته است که یک دوران طولانی از «بلاتکلیفی» برای جهان در پیش است. هورکس در عین حال، با اشاره به این که «اقتدارگرایی» شکست خواهد خورد نسبت به آینده تحولات بشر ابراز «خوش‌بینی» کرده و آن را فرصتی برای پیشبردیک «پروژه مشترک بشریت» توصیف کرده است.

هورکس ۶۸ ساله در ارزیابی خود، «بحران‌های دردم‌تنیده کنونی» را «بحران فراگیر» نامیده و اضافه کرده که چنین بحران‌های فراگیری، در دوره‌های گذار این چنینی، معمول و رایج‌اند و وضعیت‌های نرمال پیشین هر ۵۰ تا ۱۰۰ سال، دچار فروپاشی می‌شوند و عصری شروع می‌شوند که در آغاز، بلاتکلیف و نامطمئن به نظر می‌رسد.

به گفته هورکس این گونه دوران بلاتکلیفی ممکن است بین «۱۰ یا حتی ۲۰ سال طول بکشد». اما به هر میزان که جامعه در یافتن راه حل‌ها بیشتر مشارکت کند، این دوران سریع‌تر پایان خواهد یافت.

او که در ماه‌های گذشته به همراه سایر پژوهشگران اندیشکده‌ای با نام «پروژه آینده» را در فرانکفورت تاسیس کرده است تلاش می‌کند فرایندهای تحولی آینده بشر را مورد بررسی قرار دهد.

به گفته هورکس، حمله روسیه به اوکراین، جامعه را از «یک توهم چند دهه‌ای مبنی بر این که جهان مدام صلح‌آمیزتر و متحدتر خواهد شد، بیدار کرده است».

به گفته او، اینک ما در «شوک عصر تحول» به سر می‌بریم و می‌بینیم که جهانی شدن به شکلی که ما باور داشتیم کار نمی‌کند.

او می‌افزاید اما چنین شوک‌هایی می‌توانند خاصیت درمانی هم داشته باشند. چرا که به ما نشان می‌دهند «چه چیزی ارزش جنگیدن دارد و برای چه ارزش‌هایی باید ایستادگی کرد».

بحران فراگیر، نظم نوین جهانی و تغییر دنیای کسب و کار به باور هورکس، مساله در نهایت بر سر ایجاد یک نظم نوین جهانی است. او با اشاره به گسترش اقتدارگرایی و پوپولیسم در جهان، با اشاره به جنگ اوکراین می‌گوید که «دوران بحران می‌تواند وحدت‌های

شگفت‌انگیزی ایجاد کند». از همین رو او احتمال شکست دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۴ را «بسیار محتمل» ارزیابی می‌کند.

هورکس همچنین پایان تدریجی مدل صنعتی در جهان را پیش‌بینی می‌کند و می‌گوید «این تغییر اغلب از سوی جوان‌ترها پیش برده خواهد شد». به گفته او، تعداد افرادی که به دنبال انعطاف‌پذیری و تعادل میان زندگی کاری و شخصی هستند مدام بیشتر خواهد شد و «در ۲۰ سال آینده، قراردادهای کاری معمول احتمالاً در اقلیت خواهند بود».

دوری از مصرف زغال سنگ، نفت و گاز می‌تواند کشورهای جهان را حول «یک پروژه مشترک بشریت» متحد کند. به گفته او در این دوره، انرژی خورشیدی در سراسر جهان شکوفا می‌شود و کشورهای بیشتری به طور جدی به اهداف اقلیمی متعهد خواهند شد.

هورکس در عین حال نگرانی عمیق خود را نسبت به گرایش جامعه به سمت یک حالت ذهنی ناامیدی و بدبینی شدید ابراز می‌کند و می‌گوید این «بزرگ‌ترین خطری» است که او برای آینده متصور می‌شود. DW/

## گزارش

### آسیای نوظهور آخرین خریداران بزرگ پوشاک را در خود جای داده است



با ادامه تورم بالا، خرید پوشاک در سال ۲۰۲۴ محدود خواهد ماند، اما به نظر می‌رسد بازارهای هند و چین رشد بالایی داشته باشند. طبق گزارش «وضعیت صنعت مد و پوشاک ۲۰۲۳» موسسه مکنزی، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی جهانی از ۳٪ سال قبل به ۲٫۹٪ در سال ۲۰۲۴ کاهش خواهد یافت. مکنزی در آخرین نظرسنجی خود دریافت که قصد خرید پوشاک در سه ماهه سوم سال ۲۰۲۳ در چین مثبت ۷ درصد، اما در ایالات متحده منفی ۲۵ و در اروپا منفی ۲۹ است. در همین حال، سرمایه‌گذاری در کنار تقاضای داخلی و توسعه زیرساخت‌ها در آسیای شرقی منطقه‌ای بازاری امیدوارکننده برای صنعت مد و پوشاک تبدیل کرده است. اگرچه قرار است تورم نسبت به سطوح سال‌های ۲۰۲۳ و ۲۰۲۲ کمتر شود، ولی انتظار می‌رود نرخ‌های بهره برای مدت طولانی تری بالا بماند. اما آنچه در سال ۲۰۲۴ متفاوت است، چالش‌های منطقه‌ای در اقتصادهای بزرگ است. اروپا زیر سایه جنگ در اوکراین به مبارزه ادامه می‌دهد در حالی که انتظار می‌رود رشد تولید ناخالص داخلی ایالات متحده از ۲٫۱٪ به ۱٫۵٪ کاهش یابد. در چین، بحران مداوم در بازار املاک و بیکاری جوانان هر دو بر اقتصاد فشار وارد می‌کنند. با این حال، حتی با وجود تقاضای کم و رشد کند تولید ناخالص داخلی، چین شاهد افزایش ۱ درصدی حجم واردات در نیمه اول سال ۲۰۲۳ بوده است.

تحقیقات مکنزی نشان می‌دهد: «ظاهراً برنامه‌های هزینه‌های مصرف‌کننده در چین نسبت به ایالات متحده و اروپا بسیار مثبت‌تر است، با ۷ درصد قصد خرید پوشاک و جواهرات، و ۸ درصد برای کفش. در همین حال، ۶۹ درصد از مصرف‌کنندگان در حال برنامه‌ریزی برای خرید هستند».

در هند، رشد تولید ناخالص داخلی در سال مالی ۲۰۲۳ به ۶٫۹ درصد رسید که با فعالیت‌های سرمایه‌گذاری قوی، تقاضای داخلی ثابت و فشار سیاست‌گذار برای سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها تقویت شد. اعتماد مصرف‌کننده در سپتامبر ۲۰۲۳ بالاترین حد خود در چهار سال اخیر رسید و مدیران

مستقر در هند نسبت به هم‌تایان غربی خوشبین‌تر هستند، به طوری که ۸۵ درصد از پاسخ‌دهندگان به نظرسنجی جهانی مکنزی گفتند که شرایط در شش ماه منتهی به آگوست بهبود یافته است. «تأثیر چشم‌انداز ضد و نقیض سال ۲۰۲۴ توسط کسب‌وکارهای پوشاک و مد در سراسر زنجیره ارزش احساس خواهد شد. برندها و خرده‌فروشان احتمالاً باید با موج دیگری از تقاضای پایین مصرف‌کنندگان در برخی از بازارهای کلیدی مواجه شوند، در حالی که عرضه‌کنندگان احتمالاً اثرات این کاهش تقاضا را بیشتر احساس کنند چرا که اثر آن در طول زنجیره تامین توزیع شده و منجر به استفاده ناکافی از ظرفیت تولید می‌شود. رشد درآمد در چنین شرایطی احتمالاً به جای حجم، ناشی از افزایش قیمت خواهد بود و کسب‌وکارها باید با دقت برای افزایش قیمت‌ها برنامه‌ریزی کنند تا از طرف مصرف‌کنندگان کم‌درآمد جلوگیری کنند». در بخش عرضه، گزارش اشاره می‌کند که احتمالاً با شروع جنگ قیمتی در بخش تولید رقابت افزایش می‌یابد، زیرا تقاضای ضعیف مصرف‌کننده بر سفارش‌ها فشار می‌آورد و منجر به ظرفیت مازاد در برخی زنجیره‌های تامین می‌شود. در این گزارش آمده است: «تامین‌کنندگان بهتر است برای ایجاد روابط عمیق‌تر و مشارکت با برندها برای کاهش رقابت قیمتی و در عین حال اطمینان از حفظ کنترل دقیق هزینه‌ها در سال آینده تلاش کنند.» JustStyle/stolid/

### با آغاز اصلاحات مالیات فرامرزی در جهان شرکت‌های چندملیتی ۲۲۰ میلیارد دلار مالیات می‌پردازند



شرکت‌های بزرگ چندملیتی با آغاز اصلاحات مالیات فرامرزی برای اولین بار مشمول حداقل مالیات جهانی خواهند شد؛ اصلاحاتی که به دنبال افزایش درآمد سالانه تا ۲۲۰ میلیارد دلار است.

به گزارش اتاق ایران آنلاین تقریباً سه سال پس از آنکه ۱۴۰ کشور برای بستن منافذ آشکار در نظام بین‌المللی مالیاتی به توافق رسیدند، برخی از اقتصادهای بزرگ از ماه ژانویه شروع به اعمال نرخ مؤثر مالیات حداقل ۱۵ درصدی بر سود شرکت‌ها خواهند کرد.

بر اساس یک سری قوانین دردم‌تنیده، اگر سود یک شرکت چندملیتی کمتر از این نرخ مالیاتی تعیین شده در یک کشور مشمول مالیات شود، سایر کشورها می‌توانند از آن مالیات اضافی دریافت کنند. سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) که منجر به این اصلاحات شد، تخمین می‌زند که این اصلاحات سالانه درآمد مالیاتی جهانی را تا ۹ درصد یا ۲۲۰ میلیارد دلار افزایش می‌دهد.

جیسون وارد، تحلیلگر اصلی در مرکز بین‌المللی پاسخگویی مالیات شرکتی طراحی فوق‌العاده هوشمند این اصلاحات را ستایش کرد و گفت که این اصلاحات انگیزه‌های شرکت‌ها برای استفاده از بهشت‌های مالیاتی و مشوق‌ها را برای کشورها برای تبدیل شدن به بهشت‌های مالیاتی کاهش می‌دهد. اولین حوزه‌های قضایی که حداقل مالیات جهانی را از ژانویه اجرا می‌کنند شامل اتحادیه اروپا، انگلیس، نروژ، استرالیا، کره جنوبی، ژاپن و کانادا است. این قوانین برای شرکت‌های چندملیتی با گردش مالی سالانه بیش از ۷۵۰ میلیون یورو اعمال می‌شود.

چندین کشور از جمله ایرلند، لوکزامبورگ، هلند، سوئیس و باربادوس که قبلاً با نرخ مالیات شرکتی ۵٫۵ درصدی به‌عنوان بهشت مالیاتی شناخته می‌شدند هم در این طرح شرکت می‌کنند. با وجود حمایت از این توافق در سال ۲۰۲۱، نه‌آمریکائیان و چین هنوز قانونی برای انجام این

اصلاحات ارائه نکرده‌اند. اما اصلاحات جهانی به گونه‌ای طراحی شده‌اند که بدون مشارکت این کشورها هم تأثیر قابل توجهی داشته باشند.

معامله‌ای که در سال ۲۰۲۱ توسط OECD نظارت می‌شود از دو «ستون» تشکیل شده است. هدف اول این است که شرکت‌های چندملیتی را وادار کند تا درجایی که تجارت می‌کنند مالیات بیشتری بپردازند، در حالی که دومی حداقل نرخ مالیات شرکتی جهانی را تعیین می‌کند. این قوانین به آن معنی است که وقتی برخی کشورها نرخ جهانی برای مالیات معرفی می‌کنند، سایر کشورها هم برای انجام این کار انگیزه‌ای خواهند داشت.

در حالی که موفقیت این اصلاحات بستگی زیادی به اجرا و واکنش شرکت‌های چندملیتی دارد، تحلیل‌های اولیه نشان می‌دهد کشورهای شرکت‌کننده که میزان سود شرکت‌های بزرگ با مالیات پایین هستند، برنده اولیه خواهند بود. همچنین انتظار می‌رود که انجام اصلاحات قابل مالیاتی بین حوزه‌های قضایی را از طریق اعتبارات، کمک‌های بلاعوض یا یارانه‌ها افزایش دهد. OECD سال گذشته تأیید کرد که محاسبات حداقل مالیات جهانی رفتار مطلوب‌تری را برای برخی اعتبارات مالیاتی، به‌ویژه برخی اعتبارات قابل انتقال مندرج در قانون کاهش تورم آمریکا، ارائه می‌دهد.







## بدون بردگان شگری وجود نداشت

زهرا زارعی | خلاصه و تنظیم

در یکی از جزایر کاراییب ده‌ها برده آفریقایی برای کندن علفهای هرز و آتش زدن پشته‌های این علفها به این جزیره منتقل و به کار گماشته شدند. دستهایشان به خاطر پوست خشن ساقه‌های درختان نخل پینه بسته، پشت‌شان از کار زیاد خم شده و چشمان‌شان می‌سوخت، ولی کماکان به کار ادامه می‌دادند. گیاهانی که کریستف کلمب با خود به جزیره هیسپانیولا (هاییتی و جمهوری دومینیکن امروز) آورده بود، به آنجا رونق دادند. خیلی سریع زراعت شکر در کل جزیره آغاز شد و بعد نوعی گیاه که به آن طلای سفید می‌گفتند نیز در آنجا کشت شد. اروپائیان با کمک بردگان و مسیری که به ثروتی عظیم ختم می‌شد شاهد رشد روزافزون شکر در دنیای جدید بودند. کاشت نیشکر ابتدا در هیسپانیولا رونق گرفت. زمانی که اخبار دربار وجود طلای آرتک در اطراف مکزیک پخش شد، شرایط کشاورزی به عنوان تنها فعالیت مورد علاقه مردمان سرزمین‌های اسپانیایی تغییر کرد. اما این امر به بقیه اروپائیان فرصت داد تا در کار جست و جوی شکر پیشی بگیرند.

اروپائیان بعد از این جریان، برزیل را مرکز شکر کردند. بریتانیایی‌ها با تبدیل باربادوس به یک جزیره شکر از این رویه پیروی کردند، سپس فرانسوی‌ها خاک حاصلخیز هیسپانیولا را مجدداً به دست آوردند. با افزایش سطح مزارع نیشکر، آسیاب‌های بیشتری برای خرد کردن آنها ساخته و اسکله‌های زیادی برای حمل شکر تأسیس شد و بردگان بیشتری از آفریقا برای کار مزارع آورده شدند.

اولین قایق اروپایی که در سال ۱۵۰۰ به برزیل رسید، کاملاً اتفاقی از آنجا سر درآورده بود. پدرو کابرال که

تلاش می‌کرد سواحل آفریقا تا آسیا را با قایق طی و از این راه ادویه‌جات را برای سرزمین مادری‌اش (پرتغال) خریداری کند برحسب اتفاق و با کمک اقیانوس به اشتباه به برزیل رسید. در این جریان روند انتقال بردگان از اقیانوس اطلس به برزیل تسهیل شد و در طول چهارصد سال بعد سه میلیون آفریقایی به برزیل آورده شدند. آن زمان جمله‌ای وجود داشت که می‌گفت: «بدون شکر، برزیلی وجود نداشت و بدون بردگان، شگری وجود نداشت و بدون آنگولا، برده‌ای وجود نداشت.»

در طول بیش از صد سال بین سال‌های ۱۷۰۱ تا ۱۸۱۰، ۲۵۲۵۰۰ برده آفریقایی به جزیره باربادوس آورده شدند، سپس بریتانیایی‌ها بر آن شدند تا جزایر شکرخیز بیشتری را به تسخیر درآورند و این کار را با جامائیکا آغاز کردند و در سال ۱۶۶۵ آن را از اسپانیا گرفتند. در همان دوره‌ای که ۲۵۲۵۰۰ آفریقایی به باربادوس آورده شدند، ۶۶۲۴۰۰ آفریقایی به جامائیکا برده شدند. بنابراین شکر نهصد هزار نفر را در سراسر اقیانوس اطلس، در باربادوس و جامائیکا به بردگی در آورد و این رقم تنها برای دو جزیره شکرخیز بود. شگری که از اسکله‌های نزدیک مزارع بارگیری می‌شد یک اتفاق جدید در جهان بود. شیرینی خالص، لذت‌ناپذیر و همچنین ارزانی؛ به شکلی که افراد معمولی نیز می‌توانستند آن را تهیه کنند. دانشمندان نشان دادند که در سراسر جهان مردم باید یاد بگیرند تا طعم‌های شوری، ترشی و طعم‌های مخلوط را دوست داشته باشند. شکر محصولی از نیشکر، نخستین ثمره تاریخ بشریت بود و این زندگی تلخ بردگان آفریقایی بود که شکر فراوانی تولید کردند و این شیرینی خالص شروع به گسترش در سراسر جهان کرد. در خلال سالهای ۱۶۰۰ تا ۱۸۰۰، شکر کل اقتصاد اروپا، آفریقا، آسیا و

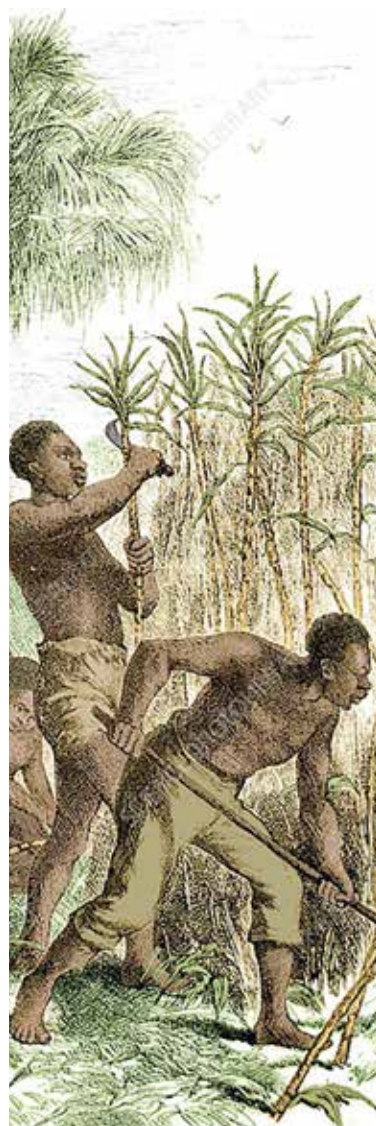
آمریکا را می‌چرخاند. به این ترتیب دوران واقعی شکر آغاز شد و بیش از هر فرمانروا، امپراتوری یا جنگی در تاریخ دنیا را تغییر شکل داد.

### نبض زندگی شکر

میلیون‌ها آفریقایی که برای کار در صنعت شکر آورده شده بودند، آموزش ندیده و قادر به خواندن و نوشتن هم نبودند. آنها برای حرف زدن نیامده بودند بلکه آمده بودند تا کار کنند. آن‌ها به دنیا آمده بودند تا کار کنند و بمیرند اما راهی برای شنیدن صدایشان وجود دارد. آفریقایی‌ها موسیقی، رقص‌ها و آهنگ‌هایی را با الهام از سرعت، نبض و ریتم زندگی‌هایشان ساخته‌اند. بومبا شکلی از موسیقی و رقص است که کارگران شکر آن را ابداع کرده‌اند. این رقص تصویری از گفت‌وگوی ریتمیک یک زن و مرد رقصنده است و زمانی که نوازنده طبل ریتم رقصش را می‌نوازد کارگران می‌گویند آنان دیگر فقط کارگرانی نیستند که به دنیا آمده‌اند تا کار کنند و بمیرند بلکه موجوداتی زنده‌اند که این راه را برای حرف زدن با هم ابداع کرده‌اند. برخی از بردگان گام‌افرا تر گذاشتند، طوری که یا از مزارع شکر فرار می‌کردند یا به آنها حمله می‌کردند، این هم وجه دیگری از داستان است. زمانی که بردگان آفریقایی نمی‌توانستند زندگی خود را تحمل کنند، همه چیز را به مخاطره می‌انداختند تا فرار کنند یا بجنگند. مالکان تنها یک راه برای ساکت کردن کارگرانشان داشتند؛ پرداخت هزینه‌ای بیش از حد یا جنگ یا شورش گسترش رعب و وحشت کار مباحرها بود.

ادامه دارد...

از کتاب «شکر جهان را تغییر داد» روایتی از سحر، چاشنی، آزادی و علم / نوشته مارک آرونسون، مارینا بودوس، ترجمه و تنظیم شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی، نشر چشمه



صفر

## ماناقص العقلیم! شما چطور؟

حقیقت سعی می‌کنیم که زمان بخریم (تکنیک فریب و خرید زمان). آگه نشد توجیه می‌کنیم! یا اشکال از تیم قبلی است و یا دشمنان نمی‌گذارند (تکنیک حواله به دیگری) یا به وعده آینده را می‌دهیم (تکنیک فرار به جلو). هر کاری می‌کنیم جز پذیرش اشتباه و شکست.

و اینگونه است که سازمان‌ها و کشورهای شواهدمحور با تواضع، شکست را می‌پذیرند، خودشان را با قوانین هستی (سنت‌های الهی) تطبیق می‌دهند و به پیش می‌روند. و سازمان‌ها و کشورهای شهودمحور هم با اعتماد به سقف کاذب بدون توجه به واقعیت‌ها، اطلاعات و تحلیل به فقرا می‌روند.

کشورداری شواهدمحور در برابر کشورداری شهودمحور! مساله این است! یکی از بهترین آموزه‌هایی که در طول دوران کار حرفه‌ای‌ام آموخته‌ام این است: یکی از مدیران ارشد کشور در جلسات هم‌اندیشی زمانی که می‌خواست طرحی را ارائه کند و از دیگران نظر بگیرد این را می‌گفت: این به عقل ناقص ما رسیده، به عقل ناقص شما چه می‌رسد! :

هر چند بیانش طنزآمیز بود اما پشت این جمله حکمتی عمیق برای همه مدیران و حاکمان نهفته است.

مردم بسپره. (رفرنس: زینب در ژاپن)

### تحلیل و توجیه راهبردی:

ما دو گونه کشورداری یا حکمرانی (در سطح کشور) و مدیریت (در سطح سازمان و گروه) داریم:

حکمرانی مبتنی بر شواهد که چنین مختصاتی دارد:

- حقیقت لزوماً شفاف نیست.
- هیچ کدام از ما عقل کل نیست.
- سیاست ما، تصمیم ما، دستور ما مقدس نیست، بلکه می‌تواند در معرض خطا و اشتباه باشد.

● در طول زمان از چهار مرحله می‌گذریم: کاوش (بررسی، جستجو، مطالعه)، آزمایش (ایده‌مان را به صورت محدود تست می‌کنیم)، پایش (نتایج آزمایش را بررسی می‌کنیم) و اگر مثبت بود گسترش و البته باز هم پایش!

در آن سوی طیف مدیریت یا حکمرانی دیگری داریم به نام حکمرانی مبتنی بر شهود و چنین مختصاتی دارد:

- ما می‌دانیم راه درست چیست. نیازی به تحقیق، بررسی و مشورت نیست.
- تصمیم ما درست است و برحق.
- اجرا می‌کنیم، آگه نشد دوباره بیشتر تلاش می‌کنیم و با عددسازی و پوشاندن

برای خانواده، میتوانند پیش زن و بچه‌شون باشند و باهم وقت بگذرونند و اصلاً دلشون می‌خواهد هر سال بچه دار بشند که نصف سال بموندن خونه!!

اما بعد از شش ماه، همه مردها عصبی و پریشان و پکر، که ما اصلاً غلط کردیم زن گرفتیم که اصلاً بچه دار بشیم! ما رو چه به بچه!! معلوم شد طوری پدرشون درآمده و به خاطر بچه تو سر و کله هم زدن و دنیای واقعی آن قدر با خیالات و تصورات فانتزی‌شون فرق داشته که کلا از بدنیا اومدن همون یکی هم پشیمونن! این به کنار؛ نه تنها تمایل به فرزندآوری از طریق این طرح‌ها، حداقل در این افراد تحت تحقیق، اصلاً افزایش پیدا نکرده، که حتی تمایل به طلاق و جدایی بعد از استفاده این طرح رو هم بیشتر کرده!!

استادمون گفت خیلی طرح‌ها هست که روی کاغذ خیلی درخشان و عالی و موفقند اما واقعیت همیشه ما رو غافلگیر میکنه. الان هم ممکنه خیلی از شماها فکر کنید خونه و درآمد و امکانات میتواند باعث افزایش جمعیت بشه در صورتی که ممکنه اصلاً افراد با داشتن اونها دلشون نخواد بچه دار بشند. حکومت فقط وظیفه داره با مدیریت، شرایط رو فراهم کنه، و اختیار انتخاب رو به خود



مجتبی لشکر بلوکی - استراتژیست

چند روز پیش داشتم روزنوشته‌های زینب در ژاپن رو می‌خوندم. نوشته‌ای از ایشان توجهم رو جلب کرد. زینب به همراه خانواده اش هم در ژاپن درس می‌خواند و هم کار می‌کند. اما نوشته ایشان را اول با هم بخوانیم: دیروز استادمون چیز جالبی گفت برای شما هم حتماً جالبه. می‌گفت توی برخی کشورهای اروپایی برنامه مرخصی با حقوق برای زایمان برای آقایان وجود داره. مثلاً توی نروژ آقایون شش ماه مرخصی با حقوق برای زایمان همسرشون دارن. یکی از مطالعاتی که انجام شده، این بود که بینند تأثیر این طرح روی علاقه به افزایش تعداد فرزندان چه میزان است؟

تصور کنید مرد شش ماه کنار زن و بچه می‌خوره و می‌خواهه حقوقش هم سر وقت واریز میشه چی از این بهتر!؟

اومدن تو کشورهای مختلف اروپایی قبل و بعد از این شش ماه از مردها سوال کردن نظرشون چیه و آیا دلشون می‌خواهه تعداد بچه هاشون بیشتر بشه یا نه؟

نتایج غافلگیرکننده بود! همه‌شون اول خیلی خوشحال بودن و می‌گفتند ذوق زده‌اند که بالاخره بعد از مدت‌ها کار و نداشتن فرصت